

تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانه مرتاض در یزد)



علی اکبر حیدری *

استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج (نویسنده‌ی مسئول)

عیسی قاسمیان **

دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۶/۲۷

چکیده:

مفهوم قناعت برگرفته از ریشه قنح، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های دینی است که در مبانی اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. انسان سنتی با اتکا به این مبانی همواره در تلاش برای نمودپذیری این مفاهیم برجسته در ابعاد مختلف حیاتش بر این کره خاکی بوده است. یکی از عرصه‌هایی که زمینه بروز این مفهوم در آن وجود دارد؛ معماری است و از میان انواع معماری‌ها، خانه بیشترین امکان بروز این مبانی را برای فرد مسلمان فراهم می‌آورد. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال تحلیل نحوه نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی معماری خانه‌های سنتی ایران برآمده است. نتایج این تحلیل می‌تواند به عنوان آموزه‌هایی جهت کاربست در معماری معاصر مورد استفاده قرار گیرد. فرآیند تحقیق به این صورت انجام می‌گیرد که پس از واژه‌شناسی این مفهوم در ادبیات و استخراج معانی مترادف و متضاد با آن، این معانی در متون مختلف اسلامی شامل آیات قرآن، احادیث، روایات معصومین (ع) و تفاسیر مربوط به آنها، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر در ادبیات تخصصی معماری نیز این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و مواردی که به این موضوع اشاره داشته‌اند؛ استخراج می‌گردد. سپس با تحلیل و دسته‌بندی یافته‌ها، اصول مرتبط با قناعت که قابلیت نمودپذیری در معماری را دارند؛ استخراج می‌گردد. با توجه به کمبود منابع تخصصی در ارتباط با شیوه‌های مختلف نمودپذیری اصول به دست آمده، از دیدگاه خبرگان و متخصصین معماری نیز برای این منظور استفاده شد. در نهایت و پس از استخراج شاخص‌های مرتبط با هر اصل، نحوه نمودپذیری موارد به دست آمده در مجموعه خانه مرتاض به عنوان نمونه موردی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان داد که مفهوم قناعت در معماری خانه‌های سنتی ایران در قالب چهار اصل پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، اعتدال‌گرایی و رعایت قاعده لاضرر و لاضرار نمود می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: قناعت، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، اعتدال‌گرایی، خانه مرتاض.



۱. مقدمه

مسکن که در ابتدا تنها سرپناهی برای حفظ انسان از مخاطرات محیطی بود؛ به تدریج و با شکل‌گیری فرهنگ‌ها و عقاید مختلف منعکس‌کننده جهان‌بینی و نوع نگاه آنها به مسئله زندگی شد؛ به طوریکه با مطالعه دقیق معماری هر قوم، می‌توان به جزئی‌ترین عقاید آنها پی برد. ایرانیان نیز با الهام از فرهنگ سنتی خود، محیط‌های مطلوبی را برای زندگی خویش فراهم می‌کردند که ساخت این ابنیه به ویژه در دوران اسلامی، تا حد زیادی متأثر از عقاید دینی و مذهبی مردم در آن دوران بود. در نظام معماری برگرفته از این جهان‌بینی، همواره نوعی ارتباط متقابل میان مسایل زیست‌محیطی و ارزش‌های فرهنگی جامعه وجود دارد که این موضوع هم در حوزه کلان معماری و هم در عناصر و اجزای به کار رفته در آن به‌ویژه در ارتباط با معماری خانه‌ها قابل مشاهده است. در واقع نظام ارزشی حاکم بر جامعه در دوران سنت که خود ریشه در مبانی اعتقادی اسلام دارد، هم در الگوهای ساخت‌وساز خانه‌ها و هم در شیوه زندگی مردم نمود کامل دارد. اصل قناعت در زندگی، یکی از این مفاهیم ارزشی است که هم در حوزه معرفت‌شناسی و هم در ارتباط با مبانی ارزشی و رفتاری افراد در جریان زندگی روزمره‌شان نمود فراوان دارد. با توجه به تأکید بسیار زیاد متون دینی نسبت به لزوم توجه به این اصل در ابعاد مختلف زندگی افراد، کماکان این موضوع در شیوه زندگی انسان معاصر دارای کمترین میزان اهمیت می‌باشد؛ به نحوی که در الگوی مصرف افراد در شهرهای مختلف کشور، به طور روزانه اسراف و هدررفت منابع در ابعاد مختلف دیده می‌شود.

یکی از کاربردهای اصل قناعت در زندگی افراد، نمود آن در الگوهای ساخت‌وساز به ویژه در حوزه مسکن می‌باشد. اهمیت این موضوع به حدی است که استاد پیرنیا نیز از این اصل به عنوان یکی از اصول پنج‌گانه معماری ایرانی یاد می‌کند (پیرنیا ۱۳۸۲، ۲۸). این در حالی است که در ساخت‌وسازهای معاصر، کمترین میزان توجه به این موضوع از سوی سازندگان این‌گونه بناها صورت می‌گیرد و هر روز ساخت بناهایی در سطح شهرها دیده می‌شود که به منظور خودنمایی هر چه بیشتر، از هیچ‌گونه اسراف و زیاده‌روی در ساخت و بکارگیری مصالح ابایی ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد که با بررسی ابعاد مختلف نمودپذیری

این مفهوم در معماری به ویژه در آثار معماری سنتی به عنوان بخشی از هویت فرهنگی این مرز و بوم، می‌توان زمینه کاربست آن در الگوهای معاصر ساخت‌وساز را فراهم آورد. به همین منظور پژوهش حاضر با تحلیل ابعاد مختلف این مفهوم در حوزه ادبیات نظری، سعی در بررسی نمودپذیری موارد به دست آمده از این مفهوم در یک الگوی معماری (خانه مرتاض به عنوان نمونه موردی) را دارد. بر همین اساس سوالات تحقیق به این صورت قابل طرح می‌باشند:

– مفهوم قناعت به چه معنا است و در قالب چه مؤلفه‌هایی می‌تواند در یک اثر معماری نمود یابد؟

– در ساخت یک خانه با الگوی معماری سنتی، چگونه از مفهوم قناعت بهره گرفته شده است؟

با این توضیح در بخش مطالعات نظری، مفهوم قناعت در شعر، ادبیات و نیز متون دینی شامل آیات و روایات و تفاسیر مربوط به آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از استخراج مؤلفه‌های مختلف مرتبط با آن، نحوه نمودپذیری این مؤلفه‌ها در یک الگوی معماری خانه سنتی (خانه مرتاض در شهر یزد) به عنوان نمونه موردی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

کاربرد قناعت در معماری نخستین بار توسط استاد پیرنیا مطرح گردید. وی این مفهوم را در قالب دو اصل «پرهیز از بیهودگی» و «خودبسندگی» در ذیل اصول پنج‌گانه معماری ایرانی معرفی نمود که در اصل پرهیز از بیهودگی، به صورت مستقیم به لزوم توجه به قناعت در ساخت‌وساز تأکید نموده و در اصل خودبسندگی نیز به تکیه بر منابع در دسترس و جلوگیری از اتلاف منابع در امور مربوط به ساخت‌وساز اشاره کرده است (پیرنیا ۱۳۸۲). موضوع قناعت همچنین در مقاله‌ای تحت عنوان اسراف و تبذیر در معماری نیز مورد بررسی قرار گرفت که در آن ضمن معرفی آیات قرآنی مرتبط با این مفهوم و با نگاهی انتقادی نسبت به الگوهای ساخت‌وساز رایج در کشور، بر لزوم توجه به این اصل دینی هم در امر ساخت و هم در مدیریت منابع تأکید شده است (سیفیان ۱۳۷۶). در پژوهشی دیگر با عنوان معماری قانعانه، مفهوم قناعت در سه سطح کلی دسته‌بندی شده است که در این میان نحوه شکل‌گیری و نمودپذیری قناعت در معماری و ارتباط



مستقیم و مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. فرآیند انجام کار به این صورت انجام گرفت که در ابتدا می‌بایست ابعاد مختلف این مفهوم استخراج و سپس نحوه نمودپذیری آنها در یک نمونه موردی، مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس با بررسی متون اسلامی شامل آیات قرآن، احادیث، روایات معصومین(ع) و تفاسیر مربوط به آنها، و همچنین، مفاهیم مرتبط با آن در متون ادبی و تاریخی نیز مورد بررسی قرار گرفت و مواردی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به لزوم توجه به قناعت در زندگی به ویژه در حوزه سکونت‌ی انسان مطرح شده‌اند، استخراج شد. موارد به دست آمده در ارتباط با مفهوم قناعت و کاربردهای آن، با استفاده از مبانی تئوری زمینه بنیان، کدگذاری و در نهایت در قالب چهار شاخص مطرح گردید که در ادامه به تفصیل معرفی می‌شود. در این بخش از پژوهش از تکنیک دلفی^۳ به منظور استخراج زیرشاخص‌های مربوط به هر مؤلفه استفاده شد. بر همین اساس تعداد ۲۵ شرکت‌کننده به عنوان خبره در نظر گرفته شد که از این تعداد ۱۷ نفر متخصص در حوزه معماری اسلامی و ۸ نفر متخصص در حوزه علوم دینی بودند. ارتباطات داخلی میان شرکت‌کنندگان به صورت ناشناس بوده و نظرات، پیش‌بینی‌ها و تمایلات هیچکدام به دیگری انتقال داده نمی‌شد و انتشار اطلاعات به دست آمده بدون اعلام هویت ارائه‌دهندگان صورت گرفت. فرآیند کار به این صورت انجام گرفت که در ابتدا پرسشنامه‌ای باز در ارتباط با مؤلفه‌های مرتبط با قناعت (چهار مؤلفه اصلی) تهیه شد؛ و از شرکت‌کنندگان خواسته شد دیدگاه‌ها و نظرات خود را در ارتباط با راه‌های نمودپذیری این مؤلفه‌ها در معماری ابراز دارند. آنها نیز به نسبت تخصص و فهم خود از ابعاد مختلف مسئله، دیدگاه‌های فردی خود را در قالب گزاره‌هایی برای محققین ارسال نمودند. نگارندگان پس از گردآوری و تحلیل پاسخ‌ها و نیز دلایلی که برای پاسخ‌ها عنوان شده بود؛ موارد غیرمرتبط را حذف و موارد باقی مانده را در قالب یک سری زیر شاخص، در ذیل هر مؤلفه قرار دادند. سپس در مرحله دوم، جدول تهیه شده از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مرتبط با کاربرد قناعت در معماری تهیه به متخصصان ارجاع گردید و از آنها خواسته شد نظرات اصلاحی خود را بر روی محتوای مؤلفه‌ها و یا محل آنها اعلام نمایند. پس از گردآوری این بخش، زیرمؤلفه‌های

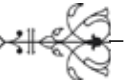
معیارهای متناظر این اصل غیرمادی (قناعت) را با اصل مادی (معماری) مورد واکاوی و بررسی قرار داده است (سعدوندی ۱۳۸۸). در همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان ضرورت رویکردی نو در تدوین معماری اسلامی، به لزوم توجه به قاعده لاضرر و لاضرر به عنوان یکی از ابعاد قناعت در ساخت بناهای مسکونی اشاره شده است. بر اساس این قاعده، مسئله اشرافیت و حریم بصری خانه‌ها مورد اشاره قرار گرفته و در آن قانع بودن افراد به حد و حدود خویش در ساخت خانه‌هایشان و عدم تعرض به حقوق همسایه مورد تأکید قرار گرفته است (علی‌آبادی و هاشمی‌طغرالجردی ۱۳۸۹، ۷۲). در پژوهشی دیگر، موضوع شاخص‌سازی مفهوم قناعت مد نظر قرار گرفته است که در آن با استفاده از روش‌های آماری و نیز مصاحبه با خبرگان و متخصصان، سعی در استخراج شاخص‌هایی برای این منظور شده است. تأکید اصلی آن پژوهش بر ارائه روشی به منظور شاخص‌سازی مفاهیم معماری و نحوه وزن‌دهی به آنها مبتنی است و در نهایت پس از وزن‌دهی به شاخص‌های به دست آمده، این ادعا مطرح شده است که با استفاده از نتایج آن می‌توان به ارزیابی میزان قناعت بودن یک اثر معماری دست یافت (مهوش و سعدوندی ۱۳۹۵، ۶۶).

موارد اشاره‌شده در فوق، تمام پژوهش‌هایی هستند که تاکنون موضوع قناعت را به عنوان یک اصل اعتقادی در معماری و شهرسازی مورد اشاره قرار داده‌اند. این در حالی است که محدود بودن تعداد این پژوهش‌ها نشان از لزوم بررسی هر چه بیشتر این اصل در شکل‌دهی به آثار معماری ایرانی اسلامی دارد تا بدین وسیله بتوان از مبانی مرتبط با این مفهوم پسندیده در آثار معماری معاصر بهره برد. از سویی دیگر بررسی پژوهش‌های مذکور این موضوع را نیز روشن می‌نماید که نحوه نمودپذیری این اصل در الگوهای سنتی معماری مسکونی، کمتر مورد اشاره قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر مبنای خود را بر این مهم گذاشته و سعی در نیل به این هدف را دارد.

۳. روش تحقیق

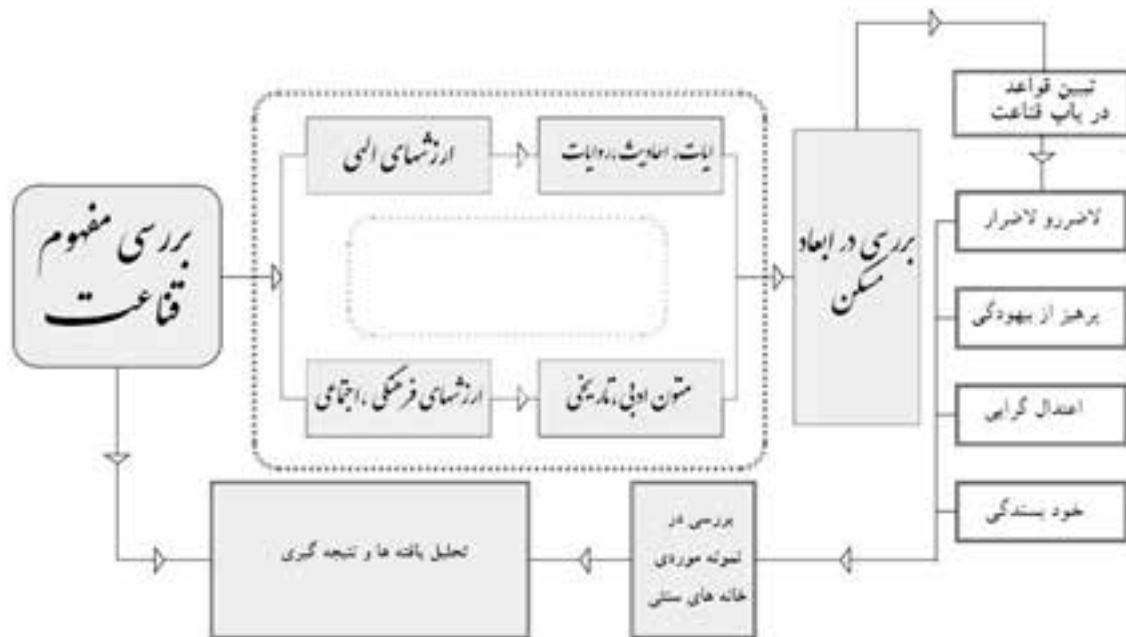
پژوهش حاضر، یک تحقیق کیفی مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است و در آن از روش‌های تحلیل محتوا و نیز استدلال منطقی به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره برده شده است. در گردآوری داده‌ها نیز از روش‌های کتابخانه‌ای، مشاهده





خانه مرتاض در شهر یزد به عنوان نمونه موردی، مورد بررسی قرار گرفت و زمینه شکل گیری هر کدام از این شاخص ها در بخش های مختلف خانه تحلیل گردید.

مربوط به هر مؤلفه نهایی شد و نتیجه آن در مقاله تحت عنوان چارچوب نظری تحقیق (تصویر شماره ۲) ارائه گردید. در مرحله آخر قواعد به دست آمده از بخش نظری شامل شاخص ها و زیر شاخص های مرتبط با موضوع قناعت، در ساختار کالبدی فضایی



تصویر ۱. دیاگرام فرآیند تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

می باشد. میانرو بودن و اعتدال گرایی نیز وجه دیگری از مفهوم قناعت است که خود برگرفته از مفهوم عدل می باشد. این معنا در حد وسط بعد افراط و تبذیر از یک سو و فقر و تفریط از سوی دیگر قرار دارد (سریانی ۱۳۸۱، ۶۱). مفاهیم مذکور در علوم دینی مسلمین و منابع مربوط به آنها نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. لذا در ادامه مفهوم قناعت و معانی مرتبط با آن در آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) مورد واکاوی قرار می گیرد. قناعت در منابع گوناگون دینی به عنوان یک ارزش اخلاقی و پسندیده معرفی شده است. در این متون فرد قانع به کسی گفته می شود که نسبت به روزی خود راضی بوده و به بیش از آن چشم نداشته باشد. (اصول کافی ۱۳۶۲، ۹۳). لزوم توجه به قناعت در احادیث و روایات معصومین نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بهترین مؤمنان کسانی معرفی شده اند که قانع هستند و بدترین آنها نیز

۴. مبانی نظری تحقیق

۴-۱. بررسی مفهوم قناعت

قناعت در لغت به معنای بسنده کردن به مقدار کم از یک کالای مورد نیاز و نیز رضایت نسبت به چیزی است که نصیب شخص می شود. همچنین در فرهنگ دهخدا این مفهوم به معنی خرسندی، رضا به قسمت، بسنده کردن، بسنده کاری، راضی شدن به اندک، اعتدال، میانروی، داشتن به اندازه نیاز آمده است (دهخدا ۱۳۷۷). با بررسی مفهوم قناعت در شعر و ادبیات فارسی می توان چنین برداشت نمود که از نظر محتوایی این واژه دارای معانی مختلفی است. در همین خصوص پرهیز از اسراف و زیاده روی اولین و رایج ترین معنایی است که در ارتباط با قناعت به ذهن خطور می کند. سخت نگرفتن به معیشت و زود رضایت دادن، معنای دیگری است که شاید در تقابل با آرزوهای مادی قرار دارد و بیان کننده رضایت انسان از آنچه در اختیار اوست





با حق الناس مطرح بوده و در علوم فقهی نیز تاکید فراوانی بر آن صورت گرفته است؛ جلوگیری از ایجاد ضرر و زیان برای دیگران به واسطه افعال فرد است. اهمیت این موضوع تا حدی است که یک قاعده فقهی تحت عنوان لاضرر لاضرر در این خصوص مطرح شده و بر اساس آن فرد مسلمان از هر گونه آسیب‌رسانی به جان و مال دیگران منع شده است (محقق داماد ۱۳۹۳، ۲۷). با این حال آنچه که در قالب حقوق شهروندی و کاربرد قاعده لاضرر و لاضرر در حوزه معماری و شهرسازی مطرح است؛ شامل مواردی چون احترام به حریم همسایگی و مجاورت‌ها، به رسمیت شمردن حق افراد برای استفاده عمومی و یکسان از نعمت‌های الهی، هماهنگی جز با کل در واحد همسایگی، رعایت حریم و فینا، حق شفه، رعایت مرز همسایگی و حریم افراد و املاک، احترام به همسایگان و عابران و مواردی از این دست می‌باشد (بمانیان و دیگران ۱۳۹۲، ۹۲). قاعده لاضرر و لاضرر در قانون مدنی کشور نیز نمود فراوانی دارد که بخش زیادی از این موارد در ارتباط با حقوق شهروندی مطرح شده است. در ذیل مواردی از قانون مدنی ایران که مبتنی بر قاعده لاضرر و لاضرر در ارتباط با حقوق شهروندی نگاشته شده است، عنوان شده است.

کسانی هستند که طمع کار هستند (نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۴۶۷). ایشان قناعت در زندگی را عاملی جهت رفع حاجت (همان، حدیث ۲۴)، جلوگیری از طغیان (همان، حدیث ۲۳۱) و دوری از بیهودگی و تکبر (همان، حدیث ۲۱۱۸) معرفی می‌نمایند و راه رسیدن به آن را در پرهیز از اسراف و زیاده‌روی و نیز اتکا به آنچه در اختیار فرد است؛ تبیین می‌نمایند. با این اوصاف از بیانات رسول خدا چنین برمی‌آید که ایشان دو اصل پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی را به عنوان عوامل تبیین‌کننده قناعت مد نظر قرار داده‌اند. لذا چنین به نظر می‌رسد که دو اصل پرهیز از بیهودگی و نیز خودبسندگی به همراه اصل اعتدال‌گرایی که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است؛ مواردی هستند که در متون دینی در خصوص موضوع قناعت و راهکارهای دستیابی به آن مطرح شده‌اند.

مسئله حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته و بر حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در جامعه، تاکید فراوانی صورت گرفته است. این موضوع در قرآن تحت عنوان حق الناس مطرح شده و اهمیت آن به حدی تعریف شده است که احقاق آن در بسیاری از موارد نسبت به حق‌الله نیز در ارجحیت قرار دارد. در این ارتباط یکی از مواردی که در ارتباط

جدول ۱. قاعده لاضرر در قانون مدنی ایران (مأخذ: علی‌آبادی و هاشمی طغرالجردی ۱۳۸۹ به نقل از ولی‌پور ۱۳۸۷، ۴۵)

ماده ۱۳۰ قانون مدنی: کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن او خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد شد.	ضرورت اذن و رفع ضرر
ماده ۱۳۲ قانون مدنی: کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود؛ مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.	ممنوعیت ضرر متعارف و رفع حاجت و ضرر
ماده ۱۳۳ قانون مدنی: کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کن؛ اگر چه دیوار ملک مخصوص شده او باشد؛ لیکن می‌تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه‌ای باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می‌تواند جلوی روزنه را دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود.	ایجاد در و پنجره به ملک همسایه

به آنها که به واسطه رفتار فرد حاصل آید؛ مذموم شناخته می‌شود. این موضوع در بعد اجتماعی زندگی افراد نیز بسیار قابل توجه است؛ به این معنی که افراد نسبت به همسایگان خود و افرادی که در سطح جامعه با آنها در ارتباط هستند؛ دارای وظایفی بوده و هر گونه تعرض به آنها چه از منظر ملکی و چه از منظر اجتماعی، خلاف شرع و جرم محسوب می‌شود. با این حال چنانچه افراد

با توجه به معانی لغوی که در ارتباط با مفهوم قناعت مطرح شد و نیز تعاریفی که در باب قاعده لاضرر و لاضرر عنوان شد؛ می‌توان به ارتباط معنایی میان این دو مفهوم پی برد. به این معنی که مفهوم قناعت در لغت به معنای راضی بودن افراد به داشته‌ها و حق خویش است؛ این در حالی است که بر اساس قاعده لاضرر، انسان از تعرض به حقوق دیگران منع شده و هرگونه ضرر و زیان





علاوه بر موارد مذکور موضوع قناعت در ارتباط با مسئله حقوق شهروندی نیز مطرح است. در این ارتباط راضی بودن افراد به حق و حقوق خود در سطح جامعه و عدم تعرض به دیگران، از جمله مواردی هستند که در ارتباط با حقوق شهروندی مد نظر قرار دارند. این معنا در فقه اسلامی تحت عنوان قاعده لاضرر و لاضرار معرفی شده و بر اساس آن انسان از هرگونه آسیب‌رسانی به دیگران منع شده است. با انطباق مفهوم برگرفته از این قاعده فقهی و تعاریفی که در باب قناعت عنوان گردید؛ می‌توان چنین برداشت نمود که چنانچه افراد به حق خود قانع بوده و قصد تعرض به حقوق غیر را نداشته باشند؛ از این قاعده فقهی در زندگی خویش تبعیت نموده‌اند. به عبارتی دیگر وجود تفکر قناعت‌مندانه در زندگی افراد، از اعمال ضرر و زیان به دیگران ممانعت به عمل آورده و در جهت رشد حقوق شهروندی در سطح جامعه مثمر ثمر خواهد بود. با این اوصاف می‌توان چنین پنداشت که پایبندی به اصل فقهی لاضرر و لاضرار، می‌تواند زمینه تحقق مفهوم قناعت در زندگی افراد را ایجاد نموده و این موضوع بر دست‌ساخته‌های وی از جمله معماری نیز تاثیرگذار خواهد بود. در نهایت، با توجه به توضیحات مذکور می‌توان چهار شاخص «پرهیز از بیهودگی»، «خودبسندگی»، «اعتدال‌گرایی» و «تکیه بر قاعده لاضرر و لاضرار» را به عنوان ابزارهای شکل‌دهنده مفهوم قناعت در معماری معرفی نمود. بر همین اساس پژوهش حاضر این چهار شاخص را تحت عنوان چارچوب نظری تحقیق تدوین نموده و در ادامه با انتخاب یک نمونه موردی، سعی در تحلیل نحوه نمودپذیری این شاخص‌ها در ساختار فضایی آن می‌نماید.

نسبت به حق خود قانع باشند؛ به حق و حقوق دیگران نیز پایبند بوده و هیچگاه در صدد تعرض به آن برنمی‌آیند.

۲-۴. جمع‌بندی مبانی نظری و تدوین چارچوب نظری تحقیق

همانگونه که پیش از این نیز عنوان شد؛ موضوع قناعت در معماری نخستین بار توسط استاد پیرنیا مطرح گردید. ایشان در معرفی پنج اصل معماری ایرانی، دو اصل «پرهیز از بیهودگی» و «خودبسندگی» را مطرح نمودند. با انطباق معانی مورد نظر ایشان با معانی مرتبط با مفهوم قناعت در شعر و ادبیات، می‌توان به ارتباط محتوایی این دو اصل با مفهوم قناعت پی برد. در تعریف استاد پیرنیا، اصل پرهیز از بیهودگی با مفاهیمی چون دوری از اسراف و تبذیر در معماری همراه است؛ و در تعریف اصل خودبسندگی نیز موضوع اتکا به نفس و بسنده کردن به آنچه در اختیار افراد قرار دارد، مورد تأکید قرار گرفته است. در همین ارتباط آیات و روایات بسیاری از ائمه اطهار و معصومین (ع) نیز مطرح شده که بر اهمیت این دو اصل در زندگی افراد تأکید شده است. در تمام این متون، اسراف و تبذیر به عنوان مفاهیمی مذموم شناخته شده که افراد را از پرداختن به آن بر حذر داشته و در مقابل بسنده کردن به آنچه فرد در اختیار دارد را به عنوان یک عمل نکوهیده مطرح نموده است. در همین ارتباط قرآن کریم مسئله میانه‌روی در زندگی را به عنوان یک اصل مطرح نموده و انسان‌ها را از هرگونه افراط و تفریط در اعمالشان منع می‌کند. لذا چنین به نظر می‌رسد که در متون دینی و مبانی اعتقادی مسلمانان، سه اصل «پرهیز از بیهودگی»، «خودبسندگی» و «اعتدال‌گرایی» به عنوان راهکارهای رسیدن به قناعت و زندگی قناعت‌ندانه معرفی شده است.

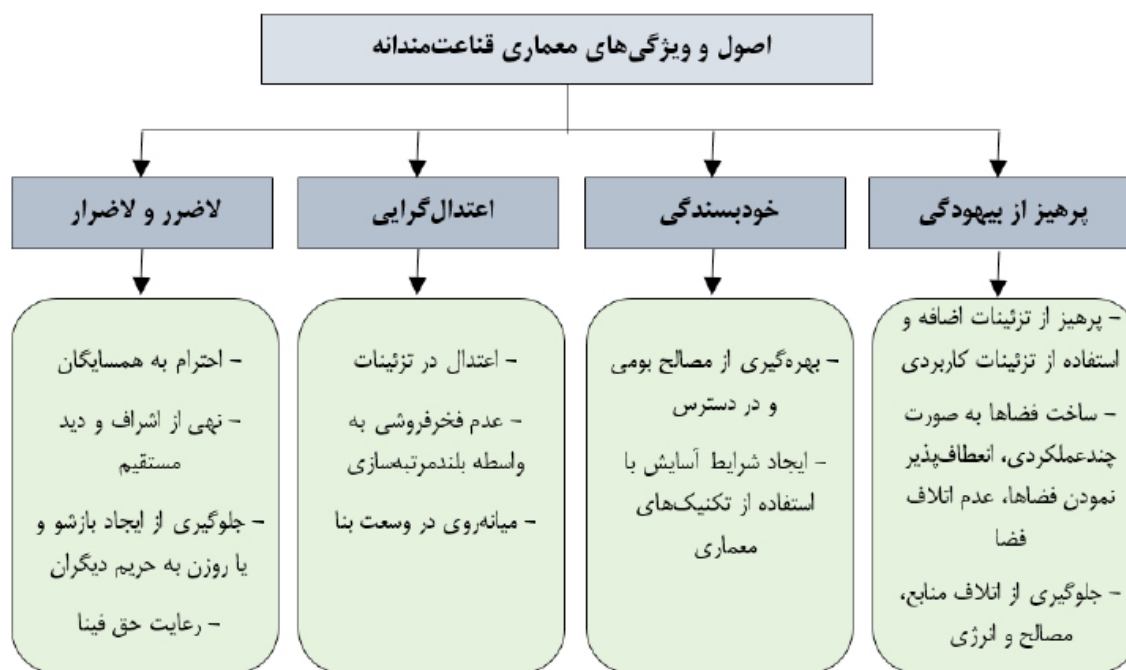
جدول ۲. قواعد کلی در باب قناعت (مأخذ: نگارندگان)

قواعد مرتبط	معنای عام	لغت نامه	
پرهیز از بیهودگی	عدم اسراف و تبذیر	راضی شدن به اندک چیز، رضایت، خشنودی، پرهیز از اضافه‌کاری، استفاده به حد کفاف، استفاده به اندازه نیاز	قناعت
خودبسندگی	راضی بودن به آنچه در اختیار دارید	بسندگی، بسنده کاری، راضی و خرسند بودن به چیزی که فرد در اختیار دارد، اکتفا	
لاضرر و لاضرار	به حق خود قانع بودن و ضرر نرساندن به دیگران	دوری از ضرر، سازش با دیگران، حفظ حریم‌ها، عدم ضرر رساندن به غیر	
اعتدال‌گرایی	میانه‌روی و صرفه‌جویی کردن میانه‌روی در هزینه‌ها و همه امور	مناسب شدن، تناسب یافتن، برابر بودن هر چیزی، به اندازه بودن، عدم افراط و تفریط، حد میانه، صرفه‌جویی	



حوزه مطالعات معماری اسلامی به تحقیق مشغول هستند؛ بهره گرفته شد. در همین ارتباط طی مراجعه حضوری به ۲۵ نفر از افرادی که با این عرصه آشنایی داشتند؛ از آنها پیرامون شاخص های مرتبط با هر کدام از عوامل چهارگانه به دست آمده پرسش به عمل آمد. پس از گردآوری و تحلیل نتایج به دست آمده، موارد مشابه حذف و زیر شاخص های نهایی در ارتباط با هر شاخص به تفکیک به دست آمد که در تصویر زیر تحت عنوان چارچوب نظری تحقیق تدوین گردید.

همانگونه که در بخش روش تحقیق نیز عنوان شد؛ پس از تبیین مفهوم قناعت و استخراج عوامل مؤثر بر آن در ادبیات، متون دینی و فقه، استخراج شاخص های معمارانه مرتبط با هر کدام از عوامل مذکور مطرح شد. با توجه به اینکه در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی، تاکنون در ارتباط با شاخص های مرتبط با قناعت، پژوهش خاصی صورت نگرفته است؛ و موارد مطرح شده بیشتر به معانی لغوی آن و یا عواقب سوء کم توجهی به آن پرداخته اند؛ لذا در این بخش به منظور استخراج این شاخص ها از نظرات خبرگان و متخصصین معماری به ویژه افرادی که در



تصویر ۲. چارچوب نظری تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

پذیرایی و آمدورفت میهمانان مرد استفاده می شد. حیاط کوچکتر نیز تحت عنوان حیاط اندرونی شناخته می شود و اطراف آن را فضاهای مختص زندگی خانوادگی فرا گرفته است.

۵. معرفی نمونه موردی

در این پژوهش خانه مرتاض در شهر یزد به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این خانه توسط علی شیرازی در اواخر دوره قاجار حدود صد و پنجاه سال پیش احداث شد. خانه از دو بخش کلی تشکیل شده و هر بخش حول یک حیاط شکل گرفته است. در عین دسترسی داخلی این بخش ها به یکدیگر، هر کدام دارای یک ورودی مختص به خود نیز می باشند. حیاط بزرگ تر که حیاط بیرونی نام دارد؛ از نظر تزئینات داری جزئیات به مراتب بیشتر و پرکارتری است. از این حیاط به عنوان محلی جهت





تصویر ۵. پنج‌دردی در حیاط اندرونی

تصویر ۴. پلان خانه مرتاض در یزد
(مأخذ: حاجی‌قاسمی ۱۳۸۳)

تصویر ۳. جبهه شمالی و غربی حیاط بیرونی

فضاهای داخلی (اندرونی) و سطوح بیرونی بنا (نمای بیرون و جداره رو به گذر) اشاره نمود. استفاده از گره‌چینی در پنجره‌ها نیز نمونه‌ای دیگر از بکارگیری تزئینات کاربردی در ساخت بنا به شمار می‌رود. این عنصر علاوه بر وجوه زیبایی‌شناسانه‌ای که به ساختار در و پنجره القا می‌نماید؛ در نقش تابش‌بند از ورود آفتاب شدید به داخل اتاق جلوگیری می‌نماید. همچنین استقرار این عنصر در پیکره پنجره، علاوه بر کارکردهای مذکور، باعث افزایش استحکام سازه‌ای پنجره نیز می‌شود. بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که معمار مسلمان که از تزئینات صرفاً به منظور تزئین و زیبایی استفاده نمی‌نمود (نفی هنر برای هنر)؛ علاوه بر ابعاد زیبایی‌شناسانه عناصر تزئینی، از کارکردهای سازه‌ای و اقلیمی آنها نیز به منظور بهینه‌نمودن بنا بهره می‌برد؛ و به این ترتیب به تزئینات وجوهی کارکردی داده می‌شد. در مجموعه خانه مرتاض علاوه بر حذف تزئین در نقاط غیرضروری خانه، از وجوه کارکردی تزئینات در بخش‌های مورد نیاز استفاده شده است که موارد عنوان شده در فوق نمونه‌هایی از این موضوع هستند. با این اوصاف می‌توان گونه‌ای از نمودپذیری معماری قناعت‌مندانه را در بکارگیری تزئینات در خانه مرتاض مشاهده نمود.

- ساخت فضاها به صورت چندعملکردی، انعطاف‌پذیر نمودن فضاها
از جمله ویژگی‌های خانه‌های سنتی، ساخت فضاهایی با عملکردهای چندگانه در نظام فضایی این خانه‌ها است. فضاهای ساخته شده در این خانه‌ها به گونه‌ای بود که امکان استفاده از آن در زمان‌های مختلف و به منظور انجام انواع

۶. تحلیل نمونه‌موردی بر اساس عوامل مؤثر بر قناعت

۶-۱. پرهیز از بیهودگی (عدم اسراف و تبذیر)

پرهیز از اسراف و بیهودگی از جمله اصولی است که در مبانی اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به نحوی که به تعبیر قرآن کریم، مؤمنان کسانی هستند که از بیهودگی روی گردانند «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۳). نمودپذیری این اصل در معماری ایرانی به شیوه‌های مختلفی حاصل شده است که از جمله آنها می‌توان به مواردی چون پرهیز از بکارگیری تزئینات اضافه در بنا، استفاده از تزئینات کاربردی، ایجاد فضاهای چندعملکردی و انعطاف‌پذیر نمودن فضاها، کارا بودن عناصر ساخت، جلوگیری از اتلاف فضا، منابع، مصالح و انرژی اشاره نمود. - پرهیز از تزئینات اضافه و استفاده از تزئینات کاربردی

دوری از اسراف و همچنین پرهیز از انجام کارهای بیهوده، یک اصل اعتقادی برگرفته از مفهوم قناعت است که در تفکر معمار مسلمان همواره نقش داشته است. این موضوع در استفاده از عنصر تزئینات در بنا، وی را ملزم به یک نگاه کارکردی در کنار نگاه زیبایی‌شناسانه می‌نمود. به عنوان مثال، استفاده از کاشی‌های معرق و لعاب‌دار علاوه بر زیبایی سطوح، به جهت عایق نمودن و بعضاً استحکام برخی جداره‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین کاربردی‌ها و مقرنس کاری‌های زیر پوشش آسمانه، علاوه بر تزئین فضای داخلی، ابزاری برای عایق نمودن سقف نیز به شمار می‌رفته است (پیرنیا ۱۳۸۲، ۲۸).

با بررسی این ویژگی در نمونه موردی می‌توان به سادگی و بی‌آلایشی نما و عاری بودن از هر نوع تزئینات اضافه در



در معماری خانه، ساخت چندعملکردی عناصر و اجزای آن است. به بیانی دیگر، عناصر و اجزای به کار رفته در خانه به گونه‌ای ساخته می‌شوند که هر کدام خود به تنهایی توانایی تأمین طیف بیشتری از نیازهای ساکنین را فراهم نمایند. خانه در مقام تأمین نیازهای مادی انسان، به‌عنوان یک سرپناه برای حفاظت وی از مخاطرات خارجی عمل می‌کند. در بعد نفسانی، نیازهایی چون تأمین امنیت، آسایش و تعلق خاطر را برای ساکنین خود فراهم می‌آورد؛ و در بعد روحانی نیز نیازهایی چون هویت‌مندی، تعالی، تقوا و کمال را برای انسان ساکنین آن ایجاد می‌نماید. بر این اساس خانه مطلوب از منظر مبانی اسلامی خانه‌ای است که به کلیه این نیازها به صورت توأمان توجه نماید. این موضوع در ارتباط با فضاها، عناصر و اجزایی که در ساختار فضایی خانه به کار برده می‌شود؛ نیز صدق می‌کند. به‌عنوان مثال، استقرار حوض آب در مرکز حیاط، علاوه بر تأمین آب به منظور شست‌وشوی روزمره، موجب تلطیف هوای حیاط شده و در تأمین شرایط آسایشی ساکنین نیز نقشی اساسی دارد؛ مضاف بر این موضوع، آب در تفکر انسان سنتی همواره نمادی از حیات، پاکی و خلوص است و با استقرار آن در مرکز حیاط از منظر اعتقادی، منجر به تلطیف روح ساکنین نیز می‌شود. این شیوه تفکر در زندگی سنتی تا بدانجا پیش می‌رفت که آبی که به منظور وضو و یا شست‌وشو مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ هرگز دور ریخته نمی‌شد و با ریختن آن در پای درختان و یا سبزه‌های موجود در حیاط، از هدر رفت آن جلوگیری به عمل می‌آمد. این تفکر که حاصل یک نگاه قناعت‌مندانه به زندگی و نعمت‌های در اختیار انسان است؛ باعث استفاده هر چه صحیح‌تر از منابع در دسترس می‌شود. چنین نگاه قناعت‌مندانه‌ای در ساخت دیگر اجزای خانه و استفاده چندمنظوره از آنها در جهت رفع نیازهای مختلف ساکنین آنها نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، ضخیم نمودن دیوارهای خارجی بنا علاوه بر تأمین مسائل سازه‌ای، امکان جذب انرژی خورشیدی در ایام سرد سال و نیز امکان ساخت رف و طاقچه در فضای داخلی به منظور استقرار اسباب و وسایل خانه و همچنین امکان تزئین فضای داخلی را نیز ایجاد می‌نمود. یا در نمونه‌های دیگر، استفاده از شیشه‌های

فعالیت‌ها وجود داشت. این موضوع مانع از ساخت فضاهای تک‌عملکردی در نظام فضایی خانه می‌شد؛ و در نتیجه زمینه صرفه‌جویی در وسعت و زیربنای ساختمان را ایجاد می‌نمود. این ویژگی در معماری قناعت‌مندانه با اصل قناعت و پرهیز از ساخت بیش از نیاز خانواده و در نتیجه پیشگیری از اسراف و تبذیر در ساخت انطباق دارد.

در ارتباط با تحلیل این ویژگی در نظام فضایی خانه مرتاض می‌توان به چندعملکردی بودن فضاهای مختلف موجود در خانه از جمله ایوان اصلی واقع در انتهای حیاط بیرونی خانه اشاره نمود. قرارگیری این ایوان در انتهای حیاط و در محور تقارن خانه، از لحاظ بصری بر تعادل فضاهای اطراف حیاط تأکید می‌نماید و به واسطه اختلاف سطح آن با حیاط، چشم‌انداز مناسبی از این فضا نسبت به حیاط به وجود می‌آید. این عوامل باعث تبدیل این فضا به یک مکان درخور و مهم در نظام فضایی بخش بیرونی خانه شده است که از آن به‌عنوان شاه‌نشین یا فضایی برای پذیرایی از مهمان نیز یاد می‌شود. علاوه بر این، در روزهایی که مراسم خاصی در خانه وجود نداشت؛ از این فضا به‌عنوان مکانی برای انجام فعالیت‌های روزمره مربوط به بخش بیرونی خانه استفاده می‌شد. ضمن اینکه در ایام گرم سال، این فضا نقش تابستان‌نشین خانه را نیز بر عهده داشت. با این اوصاف می‌توان چنین پنداشت که در ساخت این فضا، علاوه بر وجوه زیبایی‌شناسانه که به ساختار بصری حیاط القا می‌نمود؛ به‌عنوان مکانی برای انجام انواع فعالیت‌ها نیز استفاده می‌شد. بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که مفهوم انعطاف‌پذیری به معنای قابلیت انجام فعالیت‌های مختلف در یک فضا، یکی از ویژگی‌های فضایی خانه‌های سنتی بوده که در تمام ریزفضاهای موجود در نظام پیکره‌بندی این خانه‌ها نمود داشته و این مفهوم نیز خود ارتباط مستقیمی با مفهوم قناعت در معماری دارد.

– جلوگیری از اتلاف فضا، منابع، مصالح و انرژی

ابعاد مختلف حیات انسانی شامل سه بعد جسمانی، نفسانی و روحانی است که متناسب با این سه ساحت، نیازهای انسانی نیز به سه بخش نیازهای مادی یا فیزیولوژیک، نیازهای نفسانی و نیازهای روحانی قابل تقسیم هستند (نقی‌زاده ۱۳۹۱). یکی از وجوه نمودپذیری مفهوم قناعت





به کار رفته در این شیشه‌ها منجر به ایجاد طیف‌های مختلف رنگی نور در فضای داخلی بنا می‌شود که علاوه بر ابعاد زیبایی‌شناسانه آن، تلطیف روح ساکنین را نیز سبب می‌شد. بر این اساس، می‌توان ریشه تفکر قناعت‌مندان را در پرهیز از بیهودگی در بنا و چندعملکردی ساختن فضاها، عناصر و اجزای مختلف به کار رفته در آن مشاهده نمود.

رنگی در پنجره‌های به کار رفته در جبهه شمالی و غربی بنا است که بر اساس همین تفکر شکل گرفته است. استفاده از این شیشه‌ها علاوه بر کارکرد اصلی آن - که ممانعت از ورود هوای سرد به داخل و نیز امکان مشاهده فضای بیرون از داخل بنا است - از شدت تابش آفتاب به داخل ممانعت نموده که این امر زمینه تأمین شرایط آسایش ساکنین به ویژه در ایام گرم سال را فراهم می‌آورد. علاوه بر این تنوع رنگ‌های

جدول ۳. نمودپذیری مفهوم پرهیز از بیهودگی در ساختار معماری خانه مرتاض

شخص	زیرشاخص	نمودپذیری در خانه	آیه/حدیث مرتبط	نمونه
	پرهیز از تزئینات اضافه و استفاده از تزئینات کاربردی	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از تزئینات با قابلیت سازه‌ای و عملکردی (مقرنس‌کاری‌ها، رسمی‌بندی‌ها و ...) - استفاده از کاشی‌های رنگی و منقش به منظور پنهان نمودن شکستگی‌های روی آن (همچنین در تزئینات از کاشی‌های با رنگ‌های متنوع استفاده می‌شد) - معرق کردن کاشی‌ها برای امکان تعمیر و تعویض راحت‌تر قطعات 	<ul style="list-style-type: none"> -سوره مؤمنون آیه ۴: و آنان که از بیهودگی روی گردانند -سوره قصص آیه ۵۵: آنها وقتی سخنی بیهوده بشنوند از آن روی بر می‌گردانند. - پیامبر اکرم(ص): ارجمندترین مردم کسی است که آن چه را که برایش سودی ندارد رها کند (من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۹۵ - الامالی (صدوق) ص ۲۱) - امام علی(ع): هر کس به امور بیهوده بپردازد؛ امور سودمند را از دست بدهد. (غرر الحکم: ۱۸۵۲۰) 	
پرهیز از بیهودگی	ساخت فضاها به صورت چندعملکردی، انعطاف‌پذیر نمودن فضاها	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از فضا به صورت چندعملکردی و دوری از تک‌عملکردی نمودن فضا؛ - امکان اتصال فضاهای مجاور با باز کردن بازشوهای بین آنها و تبدیل آن به یک فضای بزرگ‌تر جهت استفاده در مراسم خاص؛ 	<ul style="list-style-type: none"> امام باقر(ع): یکی از تیره‌روزی‌ها تنگی منزل است. لکافی: ۵۲۶/۶ ۶/ منتخب میزان الحکمه: ۲۷۶ آیات ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب: دلالت بر تفکیک فضایی (مطلوبیت تعبیه فضاهای مورد نیاز) 	
	جلوگیری از اتلاف فضا، منابع، مصالح و انرژی	<ul style="list-style-type: none"> - جهت‌گیری خانه‌ها به سمت جنوب به منظور استفاده بهتر از تابش آفتاب؛ - ساخت تاقچه در جرزهای ضخیم خانه به منظور استقرار وسایل خانه؛ - ریختن آب حاصل از شست و شوی میوه و وضو به پای درختان موجود در حیاط 	<ul style="list-style-type: none"> -امام حسین(ع): همین که خداکسی را می‌خواهد خراب کند به سرش می‌اندازد بنایی بی‌دلیل انجام بدهد (مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۴۵۵) -امام صادق(ع): هر که بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد؛ در روز قیامت مکلف به حمل آن شود المحاسن: ۲/ ۴۴۶ / ۲۵۳۱ منتخب میزان الحکمه: ۲۷۶ 	





داشتند؛ بیشترین بهره را ببرند؛ بی‌آنکه نیاز به استفاده از منابع خارج از دسترس داشته باشند. این موضوع تا حد زیادی باعث کاهش هزینه‌های ساخت و نگهداری بنا می‌شد و به این ترتیب از هرگونه اسراف و زیاده‌روی ممانعت به می‌آورد.

– ایجاد شرایط آسایش با استفاده از تکنیک‌های معماری یکی از وجوه خودبسندگی در معماری سنتی ایران، استفاده از تکنیک‌های معماری به منظور تأمین شرایط آسایش حرارتی و برودتی بنا است. یکی از این تکنیک‌ها، استفاده از الگوی حیاط مرکزی در این خانه‌ها و تقسیم فضاهای خانه به دو حوزه تابستان‌نشین و زمستان‌نشین است. با این راهکار، بخش شمالی خانه که همواره در معرض تابش آفتاب قرار دارد؛ به‌عنوان زمستان‌نشین؛ و بخش جنوبی آن که پشت به آفتاب قرار دارد؛ به عنوان تابستان‌نشین مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین در هر کدام از این حوزه‌ها، با استفاده از تکنیک‌های دیگری نیز سعی در بهبود شرایط آسایش می‌شد. به‌عنوان مثال، با افزایش ضخامت جرزها و دیوارهای اطراف بنا و نیز استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا در بخش زمستان‌نشین، امکان جذب بیشتر گرمای خورشید و در نتیجه گرم ماندن فضای داخلی اتاق تا ساعت‌های متمادی امکان‌پذیر می‌شد. همچنین در بخش تابستان‌نشین نیز با ساخت بادگیر در فراز اتاق‌های مورد استفاده در این حوزه، امکان هدایت بادهای مطلوب به این بخش‌ها و در نتیجه خنک شدن آنها در ایام گرم سال فراهم می‌آمد. این تکنیک‌ها به همراه راهکارهای دیگر از جمله استفاده از حوض آب در مرکز حیاط به منظور افزایش رطوبت هوا، استفاده از تورفتگی در اطراف بازشوها به منظور افزایش سایه اندازی (در کنار کارکرد زیبایی‌شناسانه)، استفاده از پوشش‌های غیرمسطح (در بخش تابستان‌نشین) به منظور کاهش سطح در معرض آفتاب و مواردی از این قبیل، از جمله روش‌هایی هستند که در خانه مرتاض به منظور خودبسندگی و خودکفایی در ایجاد شرایط آسایشی درون خانه مورد استفاده قرار گرفته است. مجموعه این موارد متأثر از تفکر قناعت‌مندان در استفاده چندعملکردی از عناصر و اجزای موجود در خانه به منظور دستیابی به شرایط مناسب آسایشی است.

۲-۶. خودبسندگی

بنا به تعبیر استاد پیرنیا، خودبسندگی به معنای خودکفایی در معماری است؛ به‌نحوی که با بکارگیری امکانات در دسترس بتوان بیشترین بهره را از آن امکانات برد. این تعبیر با مفهوم قناعت به معنای راضی بودن به آنچه که در اختیار فرد قرار دارد؛ هم‌تراز بوده و لذا می‌توان خودبسندگی در معماری را با معماری قناعت‌مندان پیوند داد. در همین ارتباط، مواردی چون بهره‌گیری از مصالح و عناصر موجود، تطابق بنا با شرایط اقلیمی منطقه و تأمین شرایط آسایش برای ساکنین را می‌توان از جمله ویژگی‌های مرتبط با خودبسندگی دانست که در شکل‌گیری معماری قناعت‌مندان تأثیرگذار می‌باشند. در ذیل به بررسی این موارد در شکل‌دهی به ساختار معماری نمونه موردی پرداخته می‌شود.

– بهره‌گیری از مصالح بومی و در دسترس

استفاده از ساخت‌مایه‌های بومی در هر اقلیم به منظور ساخت ابنیه، از ویژگی‌های بارز معماری ایرانی به شمار می‌رود. این موضوع در اقلیم سرد کوهستانی در قالب استفاده از سنگ، در اقلیم معتدل و مرطوب به شکل استفاده از چوب و در اقلیم گرم و خشک در قالب استفاده از خاک، خشت و آجر نمود می‌یابد. استفاده از مصالح بومی، ضمن اینکه هزینه‌های ساخت را تقلیل می‌دهد؛ باعث افزایش سرعت ساخت نیز می‌شود و در شرایطی که بنا نیاز به تعمیر داشته باشد؛ به راحتی در دسترس است. از سویی دیگر ساکنین خانه‌های سنتی به دلیل اعتقاداتی که داشتند؛ هرگز به دنبال تشخیص و خودبتریبینی نبوده و هیچگاه از معماری خانه‌هایشان به منظور فخرفروشی به دیگران استفاده نمی‌کردند. به همین منظور، هرگز به دنبال استفاده از مصالحی خاص و متفاوت در بنای خود نبوده و بیشترین تلاش آنها در جهت هم‌شکل نمودن بنای خود با سایر بناهای موجود در اطرافشان بود (آنچه که امروزه بر خلاف آن وجود دارد و افراد همواره در تلاشند که با استفاده از مصالح مختلف و متنوع، به بیشترین تمایز را نسبت به همسایگان‌شان دست یابند). به نظر می‌رسد این شیوه تفکر بیش از هر چیز مبتنی بر بکارگیری مفهوم قناعت به معنای خودبسندگی در زندگی افراد باشد؛ به این معنی که آنها همواره در تلاش بودند از هر آنچه در اختیار



جدول ۴. نمودپذیری مفهوم خودبسندگی در ساختار معماری خانه مرتاض

شخص	زیر شاخص	نمودپذیری در خانه	آیه/حدیث مرتبط	نمونه
خودبسندگی	بهره‌گیری از مصالح بومی و در دسترس	– استفاده از مصالح بومی و موجود در منطقه به منظور ساخت بنا؛ – بکارگیری خاک‌های حاصل از گودبرداری در زمان ساخت در خود بنا؛	سوره نحل / آیه ۸۰ (بهره‌گیری از مصالح و منابع موجود) پیامبر اکرم: حدیث ۳۳۱/ همان مأخذ: اگر چیزی که مایه کفایت باشد؛ در دسترس داری؛ در جستجوی آنچه تو را به‌طغیان وامی‌دارد؛ مباش	
	ایجاد شرایط آسایش با استفاده از تکنیک‌های معماری	– تفکیک خانه به دو حوزه تابستان نشین و زمستان نشین؛ – استفاده از بادگیر به منظور هدایت بادهای مطلوب به بخش تابستان نشین؛ – ساخت جرزهای ضخیم و استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا در بخش زمستان نشین؛ استفاده از حوض آب در حیاط به منظور افزایش رطوبت هوا؛	سوره نحل آیه ۸۰: و خداست که خانه‌های شما را محل سکونت و آسایش شما قرار داد. پیامبر اکرم (ص): استحکام در ساخت خانه و استفاده به قدر نیاز از مصالح (وسائل الشیعه ج: ۵ ص: ۳۳۹-۳۳۷)	

اندازه بنا، عدم فخر فروشی و بلندمرتبه سازی و صرفه‌جویی در فضاها و مصالح نمود دارد که در ذیل به این موارد در ساختار نمونه موردی پرداخته می‌شود.

– اعتدال در تزئینات

واژه تزئین در فرهنگ ایرانی- اسلامی به معنای کارها و چیزهایی است که عیب و نقص را از بین می‌برد. بنا به این تعبیر، زینتی حقیقی است که انسان را در هیچ یک از حالاتش معیوب نساخته و وی را از شناخت حقیقت گمراه ننماید (انصاری ۱۳۸۱، ۶۳). این واژه و مشتقات آن در قرآن چهل و شش بار تکرار شده که علاوه بر بار معنایی مثبت، در مواردی نیز بار معنایی منفی داشته به نحوی که از آن با عنوان ابزاری

۳-۶. اعتدال گرایی

همانگونه که پیش از این نیز عنوان شد؛ اعتدال گرایی به معنی میانه‌روی و حد فاصل میان افراط و تفریط است. این مفهوم برگرفته از مفهوم عدل به معنای استفاده بجا از منابع است که با مفهوم قناعت نیز در ارتباط است. قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام به عنوان «امت اعتدال» معرفی کرده و همانگونه که در آیه ۳۱ سوره شعرا نیز آمده است «خروج از حد اعتدال و خارج شدن انسان از قوانین و سنن الهی، باعث فساد خواهد شد»؛ بنابراین پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه‌سازی و رعایت حد اعتدال نیازی ضروری است. نمودپذیری این اصل در ذیل مفهوم قناعت در ساخت خانه در قالب مواردی چون اعتدال در تزئینات، اعتدال در وسعت و



فَخُور: از مردم [از سر تکبر] رخ برمتاب و در زمین، متکبران راه مرو گه خداوند، هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد» (سوره لقمان، آیه ۱۸).

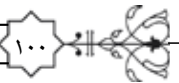
فخر فروشی انسان نسبت به دیگران در ارتباط با ابعاد مادی و اکتسابی زندگی وی همچون موقعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، مال و اموال و مواردی از این دست صورت می‌گیرد. در همین ارتباط خانه افراد نیز یکی از مواردی است که زمینه شکل‌گیری این تفاخر را فراهم می‌آورد. این تفکر بیش از هر چیز در جوامع معاصر نمود دارد؛ در حالی که در تفکر سنتی، افراد از هر گونه تشخیص و تمایز دوری نموده و همواره در تلاش برای همسویی و هماهنگی با جامعه خود بوده‌اند. در همین ارتباط، اعتقاد به قناعت در زندگی، آنها را در نیل به این مهم یاری می‌نمود و در عین حال که نیازهای روزمره خود را مرتفع می‌نمودند؛ از هرگونه تمایز و تشخیص نیز دوری می‌کردند. یکی از وجوه نمودپذیری این موضوع در بحث معماری و ساخت‌وساز، عدم ساخت بنا با ارتفاعی بیش از حد عرف و معمول محیط اطراف بود. با نگاهی به ساختار فضایی شهرهای سنتی مانند شهر یزد، می‌توان مشاهده نمود که تمام خانه‌های ساخته شده در بافت سنتی این شهر، از یک الگو پیروی نموده و حداکثر در یک و یا در دو طبقه ساخته شده‌اند. در این خانه‌ها، انتظام فضاها به گونه‌ای شکل می‌گرفت که تمام فضاهای لازم جهت استفاده ساکنین در همین یک یا دو طبقه مرتفع شود. با این حال در صورت نیاز به فضای بیشتر به منظور توسعه خانه، از زمین همسایه به قدر نیاز خریداری می‌شد و با الحاق آن به خانه، فضاهای مورد نیاز خانه را احداث می‌نمودند و در شرایطی که این امکان برای آنها وجود نداشت؛ با تغییر در ساختار فضایی خانه و تقسیم فضاهای درونی به بخش‌های کوچکتر، این امکان را فراهم می‌نمودند^۴ (ارمغان و دیگران ۱۳۹۲). با این حال آنچه در این خصوص قابل توجه است؛ عدم استفاده از توسعه عمودی به منظور ساخت فضاهای مورد نیاز خانواده بود؛ چراکه این امر علاوه بر مشکلاتی که به در ارتباط با محرمیت فضایی و مشرفیت بر فضاهای خصوصی همسایگان ایجاد می‌نمود؛ زمینه تمایز نسبت به بافت همجوار را نیز فراهم می‌کرد که این موضوع با مبانی اعتقادی انسان سنتی سازگاری نداشت. لذا در این ارتباط، اعتدال‌گرایی در

برای شیطان یاد شده است (علوی نژاد و همکاران ۱۳۸۹، ۸). از این موضوع چنین برداشت می‌شود که از منظر قرآن، تزئینات در وجه مثبت خود به عنوان ابزاری برای پوشاندن عیوب کاربرد داشته و در وجه منفی آن تحت عنوان تجملات مطرح شده و عاملی برای وابستگی به دنیا و دور ماندن از حقیقت قلمداد می‌شود. در همین خصوص نیز امام علی (ع) می‌فرماید «چیزی را بطلب که زیباییش برای تو برقرار و ذاتی و وبالش از تو بر کنار باشد؛ که ثروت برای تو باقی نیست و تو هم برای آن باقی نخواهی بود» (نهج‌البلاغه ۴۳۳). بنابراین دوری از اسراف و هم‌چنین پرهیز از انجام کار بی‌هوده دو اصل مرتبط با موضوع قناعت هستند که در تفکر معمار مسلمان همواره نقش داشته و این موضوع در استفاده از عنصر تزئینات در بنا، وی را ملزم به استفاده عملکردی از آن در کنار بعد زیباشناسانه می‌نمود. به عنوان مثال بعضی از فضاها در خانه نیاز به پرداخت تزئینات زیاد نداشتند که از آن جمله می‌توان به بخش‌های زیادی از اتاق‌های سهدری در فضاهای اندرونی خانه اشاره کرد. این در حالی است که با توجه به اهمیت بسیار بالای مهمان در فرهنگ مسلمانان، لزوم تزئین فضاهای مربوط به مهمان در بخش بیرونی خانه، از موارد قابل توجه به شمار می‌رفته است. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام، استفاده از تزئینات را تا حدی که انسان را گمراه نکند، مفید و در مواردی که ضرورتی احساس نمی‌شود؛ امری بی‌هوده قلمداد کرده است. از این رو معمار مسلمان نیز با اتکا بر مفهوم اعتدال در امور، در استفاده از تزئینات رویکردی قناعت‌مندانه داشته و هر جا که لزوم پرداختن به تزئینات احساس می‌شد؛ از آن به عنوان یک راهبرد جهت احترام به غیر استفاده می‌شد و هر جا که این موضوع امکان فخر فروشی و خودنمایی را ایجاد می‌نمود و یا لزومی به آن احساس نمی‌شد؛ از پرداختن به آن خودداری می‌نمود. لذا، قناعت در معماری در استفاده بجا و به اندازه از تزئینات در معماری خانه مرتاض نمود یافته است.

– عدم فخر فروشی به واسطه بلندمرتبه‌سازی

تمایل به تمایز منجر به تفاخر شده و این امر در صورت تشدید به خودبرتربینی و تکبر تبدیل می‌شود. خداوند نیز در قرآن افراد را از این موضوع بر حذر داشته و می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ





در الگوی خانه های سنتی، فضاهای مختلف کارکردهای متفاوتی داشته و فعالیت های مختلفی در آنها جاری بوده است. به همین منظور تعدد ریزفضاها در ساختار فضایی خانه به منظور استفاده اعضای مختلف خانواده و نیازی که نسبت به آن فضا داشته اند؛ شکل گرفته است. به عنوان مثال در خانه مرتاض، اتاق های سهدری موجود در بخش اندرونی خانه به همراه پستو و راهروهای منتصب به آن، به عنوان محل زندگی پسران خانه به همراه همسرانشان بوده است. فضاهایی چون حیاط، پنج دری و مهمان خانه نیز مورد استفاده کلیه اعضا قرار داشته و به این ترتیب سازمان فضایی خانه، نیازهای ساکنین را به خوبی برآورده می نمود. بنابراین، وسعت خانه و تعدد فضاهای آن بسته به نیاز خانواده، تعداد فرزندان و کارکردهای خانه تعیین می شد و تا زمانی که فضاهای ساخته شده، نیازهای ساکنین را فراهم می نمود؛ در پی توسعه خانه بر نمی آمدند. این موضوع نشان از تفکر قناعت مندانه در زندگی و عدم ساخت بیش از حد نیاز خانواده دارد.

ساخت بنا و پیشگیری از ساخت بنا در ارتفاع علی رغم کمبود فضای مورد نیاز خانواده، یک ارزش اخلاقی در نظام فکری انسان سنتی به شمار می آید که بر گرفته از بینش قناعت مندانه وی نسبت به زندگی و ارکان آن است.

– میانه روی در وسعت بنا

میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط از جمله اصولی است که همواره در به اعتدال رساندن جامعه نقش مهمی ایفا می کند. همانگونه که اسلام تزئینات اضافه در بنا را نهی می کند؛ صاحبین خانه ها را از ساخت فضاهای غیر ضروری و ساختن بیشتر از حد نیازشان نیز منع می نماید.


در همین راستا پیامبر اکرم می فرماید: «سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» (نهج الفصاحه، ۲۶۱ - ۲۶۰). همچنین ایشان خانه کم وسعت را نیز مذمت می کنند. لذا چنین به نظر می رسد که در ساخت خانه، موضوع اعتدال گرایی و قناعت به ساخت در حد نیاز ساکنین، مهمترین موضوع در ارتباط با تعیین وسعت بنا می باشد.

جدول ۴. نمودپذیری مفهوم خودبسندگی در ساختار معماری خانه مرتاض

نمونه	آیه/حدیث مرتبط	نمودپذیری در خانه	زیر شاخص	شاخص
	سوره نحل / آیه ۸۰ (بهره گیری از مصالح و منابع موجود) پیامبر اکرم: حدیث ۲۳۱ / همان مأخذ: اگر چیزی که مایه کفایت باشد؛ در دسترس داری؛ در جستجوی آنچه تو را به طغیان وامی دارد؛ مباش	- استفاده از تزئینات بیشتر در بخش بیرونی و بکارگیری تزئینات کمتر در بخش اندرونی؛ - استفاده از تزئینات متناسب با کاربری فضا؛	اعتدال در تزئینات	اعتدال گرایی
	- امام حسین (ع): گل ها را بالا برده دین خود را پایین آورده اید (فخر فروشی) (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷). - سوره شعرا آیات ۱۴۹-۱۵۰ نفی خانه سازی برای تکبر و ریا و فخر فروشی به دیگران - رسول اکرم (ص): نفی خانه سازی برای پز دادن و ریا (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۸) نفی ایجاد و ساخت و ساز خانه در ارتفاع بلند سقف ها و دیوارها (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۰)	- عدم تجاوز ارتفاع خانه نسبت به خانه های اطراف؛ - هماهنگ سازی مصالح با بافت خانه های همسایه به منظور جلوگیری از تمایز؛ - عدم استفاده از تزئینات افراطی در بنا به منظور فخر فروشی؛	عدم فخر فروشی به واسطه بلند مرتبه سازی	





	<p>-امام صادق(ع): ساختمان بیش از مورد نیاز مسئولیت در قیامت دارد. (المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۸)</p> <p>امام باقر(ع): از سختی زندگی، تنگی منزل است شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی، ۴۷-۸۹</p>	<p>- ساخت بنا به اندازه نیاز خانواده؛ - عدم اقدام به توسعه تا زمانی که احساس نیاز و کمبود فضا شکل می‌گرفت؛ - متناسب بودن تعداد اتاق‌ها با اعضای خانواده (پسران و همسرانشان)؛</p>	<p>میانروی در وسعت بنا</p>
---	---	--	----------------------------

۴-۶. قاعده لاضرر و لاضرار

قوانین و مقرراتی که در شکل‌دهی به نظام فضایی شهرهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است؛ از احکام فقهی و ارزش‌های الهی استنباط شده است. در این ارتباط یکی از مهم‌ترین این احکام، حق مالکیت خصوصی برای مسلمانان و آزادی تصرف در آن بر اساس معاملات مختلف اسلامی است. اما این آزادی مطلق نبوده و تا زمانی که بر حقوق دیگران خدشه‌ای وارد ننماید؛ برای فرد صاحب ملک قابل انجام است. چنانچه فرد مسلمان در ملک خود عملی انجام دهد و به موجب آن عمل، آسیبی به همسایگان و یا عرصه عمومی شهر وارد شود؛ آن عمل تخلف بوده و فرد از انجام آن منع می‌شود. این اصل که بر اساس قاعده فقهی لاضرر و لاضرار استنباط شده است؛ مبنایی برای زندگی مسالمت‌آمیز افراد در یک نظام اجتماعی به شمار می‌رود. با این حال، به نظر می‌رسد رضایت افراد نسبت به حق و حقوق خود، مهم‌ترین عامل التزام به قاعده لاضرر و لاضرار می‌باشد. در ادامه به وجوه مختلف نمودپذیری این اصل فقهی در خانه و نحوه ارتباط آن با مفهوم قناعت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- احترام به همسایگان

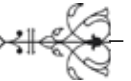
دین اسلام با ارائه برنامه‌ای جامع برای سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها، تمامی نیازهای فردی و اجتماعی وی را مد نظر قرار داده و در ارتباط با هر کدام، تعالیم خاصی میندول داشته است. در همین ارتباط، همسایه‌داری و لزوم توجه به آن یکی از مهمترین ابعاد حیات اجتماعی افراد معرفی شده و در ارتباط با حق و حقوق آن، توصیه‌ها و فرامین زیادی ارائه شده است. خداوند متعال در قرآن کریم ضمن برشمردن حقوق اسلامی مسلمانان در قبال یکدیگر، در خصوص همسایگان می‌فرماید: «وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى

وَ الْجَارِ الْجُنُبِ: همسایه نزدیک و همسایه دور را مورد احسان خویش قرار دهید» (سوره نساء، آیه ۳۶). رسول خدا نیز در ارتباط با حق همسایه می‌فرماید: «بر ارتفاع خانه خود بدون موافقت او نیفزاید تا مانع وزش نسیم و جریان هوا نشود» (بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۹۳). بنابراین لزوم احترام به همسایه و عدم تعرض به وی از الزامات دین معرفی شده و افراد در زمینه‌های مختلف ملزم به رعایت حق و حقوق آن هستند. این موضوع در حوزه معماری و شهرسازی نیز کاملاً مورد توجه مالکین و سازندگان بناهای مختلف از جمله خانه‌ها قرار گرفته است. بر همین اساس زمانی که افراد اقدام به ساخت خانه در محدوده تملک خویش می‌نمودند؛ هرگز از حد و حدود ملک خود نه به سمت همسایه و نه به سمت معبر عمومی تجاوز نمی‌کردند. علاوه بر این در ساخت بنای خویش، هرگز آن را از ارتفاع خانه همسایه بالاتر نمی‌بردند؛ چرا که این موضوع علاوه بر اینکه حریم خصوصی همسایه را مورد تعرض قرار می‌داد؛ ممکن بود مانع رسیدن آفتاب و یا باد مطلوب به آن خانه شده و فرد مسلمان این تعرض را نمونه بارز گناه می‌دید. به همین منظور همواره به آنچه که در چارچوب فضایی خانه برایش ایجاد شده بود، قانع بود و با نگاهی احترام‌آمیز، هرگز به حق و حقوق همسایه تعرض نمی‌نمود. این موضوع در ارتباط با خانه مرتاض و همسایگان نیز نمود کامل داشت.

- نهی از اشرافیت و دید مستقیم

از آنجا که یکی از موضوعات معماری و شهرسازی مسئله اشراف مستقیم یا غیرمستقیم خانه‌ها بر یکدیگر است. لذا، مصون بودن فضاهای داخلی خانه از اشراف و دید بیگانگان موضوعی است که در آسایش روانی خانواده نقش اساسی دارد. اگر به‌واسطه ارتفاع





داشته است. بر اساس این قانون افراد از ایجاد هرگونه بازشو، روزن و یا دسترسی به ملک مجاور خود منع شده‌اند؛ چرا که این موضوع اسباب ضرر و زیان به آنها را ایجاد نموده و در نهایت منجر به صلب آسایش از آنها می‌شود. در ارتباط با خانه مرتاض نیز این موضوع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است چرا که بدنه‌های خارجی بنا، حتی مواردی که رو به معبر هستند؛ فاقد پنجره و یا روزن بوده و این موضوع علاوه بر حفظ حریم خصوصی اعضای خانه، از هرگونه اشرافیت نسبت به حریم همسایگان نیز ممانعت به عمل آورده است.

– رعایت فینا

فینا در اصطلاح شهرسازی بخشی از فضا معبر عمومی است که در امتداد دیوار خانه فرد قرار دارد و صاحب خانه از آن به عنوان مکانی برای انجام برخی از فعالیت‌های بیرون از خانه مانند بارگیری و یا تخلیه بار استفاده می‌نموده است. اگر چه مالکیت عرفی این فضا بر عهده صاحب خانه قرار دارد؛ اما این فضا یک فضای عمومی بوده و قابل استفاده برای عموم مردم می‌باشد. لذا صاحب خانه به هیچ عنوان حق ندارد با انجام اقداماتی، این فضا را خصوصی نموده و یا مانع استفاده از آن توسط مردم شود. در همین ارتباط ابن‌خوه در کتاب معالم القریه فی احکام الحسنه عنوان می‌دارد که «کسی را روا نیست در کوچه‌های تنگ بنشیند و مصطبه دکان خود را از پایه‌های سقف بازار بر گذرگاه بیرون کند؛ زیرا این کار تجاوز است و راه را بر رهگذران تنگ می‌کند. پس محتسب است که از این عمل باز دارد تا به مردم زیبایی نرسد» (عبدالستار ۱۳۷۶، ۱۲۲-۱۲۳).

بلند یک خانه نسبت به همسایه خود، حریم بصری آن خانه مورد تعرض قرار گیرد؛ موجب صلب آسایش و آرامش از خانه مجاور شده و این موضوع با اصل لاضرر و لاضرار در تضاد می‌باشد. به همین منظور دین اسلام افراد را از پرداختن به این موضوع بر حذر داشته و بر لزوم حفظ حریم خصوصی خانواده‌ها تأکید فراوانی نموده است (مرتضی ۱۳۸۷، ۵۲). در همین ارتباط سازنده بنا هم در ارتباط با الگوی استقرار بنا و هم در ارتباط با ارتفاع بنا، مسئله عدم اشرافیت به حریم همسایه را مد نظر قرار داده و ضمن تأکید بر قناعت نسبت به حق و حقوق خویش، از انجام چنین اعمالی که منجر به ضرر و زیان به همسایه می‌شود؛ دوری می‌نماید. این موضوع در ارتباط با خانه مرتاض و اهمیت حفظ حریم بصری همسایگان نیز کاملاً مشهود است. ساخت این بنا بر اساس الگوی درونگرا شکل گرفته است که ضمن تبعیت از الگوی غالب بافت در محدوده اطراف آن، محور دید خانه به سمت حیاط مرکزی معطوف شده و این موضوع مانع از هرگونه اشرافیتی نسبت به همسایگان می‌شود. از سویی عدم تجاوز ارتفاع بنا از دو طبقه علاوه بر هماهنگی با سایر خانه‌های موجود در بافت، از مشرفیت به بخش‌های خصوصی واحدهای همسایه جلوگیری می‌نمود. این موضوع بر حاکمیت تفکر قناعت‌مندانه در ساخت این خانه تأکید داشته و نشان‌دهنده رضایت ساکنین نسبت به حق خویش و عدم تمایل به تعرض به حقوق دیگران می‌باشد.

– عدم ایجاد بازشو و روزن در حریم دیگران

در ارتباط با موضوع محرمیت و مسئله حفظ حریم خصوصی افراد به ویژه همسایگان، موضوع عدم ایجاد بازشو به ملک همسایه از دیگر مواردی است که در قوانین دینی و عرفی گذشتگان وجود

جدول ۶ نمودپذیری قاعده لاضرر و لاضرار در ساختار معماری خانه مرتاض

شاخص	زیر شاخص	نمودپذیری در خانه	آیه/حدیث مرتبط	نمونه
قاعده لاضرر و لاضرار	احترام به همسایگان	– عدم ایجاد مزاحمت صوتی و الودگی محیطی برای همسایگان؛ – عدم تعرض به ملک همسایه؛ – عدم ساخت بنا با ارتفاعی بیشتر از بنای همسایگان به منظور جلوگیری از سایه‌اندازی بر خانه همسایه؛	– پیامبر اکرم (ص): [از حقوق همسایه بر انسان این است که: [ساختمان منزل خود را بلند نسازد که سبب آزار و اذیت او شود نسبت به اشرافی که به منزل او پیدا می‌کند (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۸)؛ – رهبر انقلاب اسلامی ایران: هم‌سو بودن شکل خانه‌ها از حیث عملکرد و کالبد با سایر خانه‌های اطراف بنا به نیاز ساکنین (مقام معظم رهبری، در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها ۱۳۷۴/۰۴/۱۹).	



<p>اسرار به جز در مکانی همسایگان (عدم ایجاد بین آن طرف خانه عدم ایجاد از ایجاد خانه همسایه به سایر خانه ها ایجاد از ایجاد خانه همسایگان ایجاد فضای مرکزی و از ایجاد تراس همسایه همسایه</p>	<p>- امام علی (ع): برکت خانه، به بودن آن در منطقه خوب و محوطه وسیع و همسایگان همراه و خوب است (مفاتیح الحیات، ص ۱۷۴).</p>	<p>- هماهنگ بودن بنا از نظر ظاهری با دیگر واحدهای مسکونی در واحد همسایگی؛</p>	<p>ایجاد شرایط آسایش با استفاده از تکنیک های معماری</p>
<p>ایجاد قسمت های به جهت عدم مسافرت و ایجاد مراکز دسترسی برای همسایگان و حریم های ملکی مجاور</p>	<p>پیامبر اکرم (ص): نهی از اشرافیت و دید به حریم دیگران (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۷)</p>	<p>- عدم ساخت بنا با ارتفاعی بیشتر از بنای همسایگان به منظور جلوگیری از ایجاد دید به خانه همسایه؛ - احترام به حریم خصوصی افراد با ایجاد سلسله مراتب فضایی در خانه؛ - ساخت عناصر خانه به صورتی که امکان دید از سمت بیرون به درون خانه میسر نباشد؛ - عدم ساخت باز شو در به سمت بدنه های بیرونی بنا؛</p>	<p>نهی از اشرافیت و دید مستقیم</p>
	<p>سوره نور آیه ۵۸: نهی از ورود و اشرافیت به سایر فضاها خانه و حریم های دیگران بدون اجازه</p>	<p>- عدم ساخت ورودی خانه ها در روبروی یکدیگر به منظور کاهش دید به فضای درونی خانه ها؛ - عدم ساخت روزن، باز شو و یا ورودی به ملک همسایه؛</p>	<p>عدم ایجاد باز شو و روزن در حریم دیگران</p>
<p>ایجاد فضای بیرون از خانه که به عنوان پارکینگ و فضای همسایه همسایه</p>	<p>پیامبر اکرم: حدیث ۲۳۳۷ نهج الفصاحه (در اسلام ضرر و زیان زدن به دیگران ممنوع است؛ زیرا اسلام بر خیر مسلمان می افزاید و شری به او نمی رساند). - ابن اخوه قانون شهرداری ها ۴۴۸ ه-ق (حفظ فینا و حریم های ملکی همسایگی و معابر عمومی و عدم تعرض به آنها)</p>	<p>- مشخص نمودن محدوده زمین، با استفاده از تفکیک صریح حوزه خصوصی از حوزه عمومی؛ - عدم تعرض به گذر عمومی؛ - ساخت پیرنشین در فضای ورودی به منظور احترام به عابرین و مراجعین؛</p>	<p>رعایت فینا</p>



۷. نتیجه‌گیری

می‌کرد که نیازهای اولیه خود را نتواند برآورده کند و در نهایت اینکه حفظ حقوق همسایگان و احترام به آنها یکی از مهم‌ترین اولویت‌های وی قرار داشت. به این ترتیب نگاه قناعت‌مندان به ساخت خانه را در چهار اصل شامل پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، اعتدال‌گرایی و تأکید بر قاعده لاضرر و لاضرار را مورد توجه قرار می‌داد. در ارتباط با اصل پرهیز از بیهودگی، مواردی چون پرهیز از تزئینات اضافه و استفاده از تزئینات کاربردی، ساخت فضاها به صورت چندعملکردی، انعطاف‌پذیر نمودن فضاها و جلوگیری از اتلاف فضا، منابع، مصالح و انرژی در هنگام ساخت بنا مد نظر وی قرار گرفته است. در ارتباط با بحث خودبسندگی نیز توجه به شاخص‌هایی چون بهره‌گیری از مصالح بومی و در دسترس و ایجاد شرایط آسایش با استفاده از تکنیک‌های معماری در هنگام ساخت بنا به عنوان وجوهی از معماری قناعت‌مندان مد نظر قرار گرفته است؛ در باب شاخص اعتدال‌گرایی، مواردی چون اعتدال در تزئینات، عدم فخرفروشی به واسطه بلندمرتبه‌سازی و میانه‌روی در وسعت بنا مد نظر سازندگان و صاحبان خانه قرار می‌گرفت و در نهایت در ارتباط با اصل لاضرر و لاضرار، مواردی چون احترام به همسایگان، نهی از اشرافیت و دید مستقیم، عدم ایجاد بازشو و روزن در حریم دیگران و رعایت فینا به عنوان نمود این اصل در ساخت خانه مورد توجه سازندگان قرار داشته است. بنابراین می‌توان چنین پنداشت که موضوع قناعت در معماری، متأثر از یک تفکر دینی است که ریشه در نوع نگاه افراد نسبت با نعمت‌های در دسترس دارد و به منظور نمودپذیری آن در معماری از طریق چهار اصل مذکور، امکان‌پذیر می‌باشد.

مسلمانان در گذشته نه چندان دور، عالم را محضر خدا پنداشته و برای با ادب بودن و داشتن رفتاری مناسب و در شأن دایره پادشاهی رب خویش، حتی در انجام صحیح کوچکترین رفتارهای روزمره‌شان، به دنبال کسب تکلیف و الگوی مناسب بودند. ایشان به واقع خود را در همه احوالات در محضر خدا پنداشته و به یاد خدا بودند و خداوند را در هر چیز و بر هر یک از رفتارهای خود، شاهد و ناظر می‌دیدند. بر همین اساس مسلمانان در کارها و رفتارهای مختلف خود، احکامی چون واجب، مستحب، مباح، حرام و مکروه را مد نظر قرار داده و نسبت به انجام و یا دوری از آن اقدام می‌نمودند. این امر موجب راه‌یابی صفاتی به زندگی آنها می‌شد که به نوعی برگرفته از اسما الهی بوده و فرد مسلمان همواره در تلاش برای تجلی این صفات در زندگی خویش بوده است. قانع یکی از مجموعه مفاهیم الهی است و فرد مسلمان با تعبیر قناعت از آن، همواره در تلاش جهت کاربست آن در زندگی خویش می‌باشد. این صفت در تعبیر وی به معنای راضی بودن به آنچه در اختیار دارد نمود یافته و همین امر مانع از هدر دادن نعمت‌های الهی در وجوه مختلف زندگی وی شده است. یکی از این وجوه - که مفهوم قناعت به تعبیر یاد شده در آن نمود فراوانی دارد - در معماری، بالاخص ساخت خانه است. فرد مسلمان در ساخت خانه از هرگونه اسراف و تبذیر و هدر دادن منابع خودداری می‌نمود؛ از آنچه در اختیار داشت؛ به منظور ساخت‌مایه استفاده می‌کرد؛ در ساخت فضاها و عناصر مختلف خانه نه آنقدر زیاده‌روی می‌کرد که اسباب فخرفروشی به دیگران شود؛ و نه آنقدر تفریط

پی‌نوشت

۱. Grounded theory

۲. فرآیند کدگذاری به این صورت انجام گرفت که در ابتدا تمام گزاره‌هایی که مفهوم قناعت به نوعی در آنها مورد اشاره قرار گرفته بود؛ از متون علمی، ادبی و تاریخی، آیات، روایات و تفاسیر مربوط به آنها استخراج گردید. سپس بر اساس اینکه در هر گزاره، موضوع قناعت در چه بایی مورد بررسی قرار داده است، گزاره‌های به دست آمده دسته‌بندی شدند. هر دسته حائز یک کد گردید و خروجی هر دسته، در قالب یک یا چند مفهوم در ارتباط با موضوع قناعت ارائه شد. مفاهیم به دست آمده که خود نیز دارای کد بودند؛ از منظر شباهت محتوایی در چهار مؤلفه شامل پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، اعتدال‌گرایی و لاضرر و لاضرار دسته‌بندی شدند. بر این اساس فرآیند کدگذاری را می‌توان شامل مراحل چون دسته‌بندی گزاره‌ها، استخراج مفاهیم، دسته‌بندی مفاهیم و در نهایت قراردعی مفاهیم در گروه‌های هم‌خانواده دانست که نتیجه



این امر، استخراج چارچوب نظری تحقیق حاضر (جدول ۲) شده است.

۳. فرآیند انجام مصاحبه به این صورت انجام گرفت که در ابتدا از افراد مورد نظر در خصوص نحوه نمودپذیری مؤلفه‌های چهارگانه مرتبط با قناعت و زیرمؤلفه‌های مربوط به هر کدام در الگوی خانه‌های سنتی (به طور خاص خانه مرتاض به عنوان نمونه موردی تحقیق)، پرسش به عمل آمد. در این فرآیند هر کدام از زیرمؤلفه‌ها و نیز نحوه کاربست آنها در خانه و همچنین علت توجه به آن به عنوان یک اصل نیز به طور جداگانه مورد پرسش قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در این بخش در قالب یافته‌های تحقیق و در جداول ۳ تا ۶ نشان داده شده است.

۴. فرآیند انجام مصاحبه به این صورت انجام گرفت که در ابتدا از افراد مورد نظر در خصوص نحوه نمودپذیری مؤلفه‌های چهارگانه مرتبط با قناعت و زیرمؤلفه‌های مربوط به هر کدام در الگوی خانه‌های سنتی (به طور خاص خانه مرتاض به عنوان نمونه موردی تحقیق)، پرسش به عمل آمد. در این فرآیند هر کدام از زیرمؤلفه‌ها و نیز نحوه کاربست آنها در خانه و همچنین علت توجه به آن به عنوان یک اصل نیز به طور جداگانه مورد پرسش قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در این بخش در قالب یافته‌های تحقیق و در جداول ۳ تا ۶ نشان داده شده است.

۵. الگوی زندگی سنتی مبتنی بر پدرسالاری بوده و فرزندان پس از ازدواج در خانه پدری ساکن می‌شدند. به هر فرزند پس از ازدواج، یک اتاق اختصاص می‌یافت و در صورت بچ‌دار شدن، تعداد اتاق‌های بیشتری اختصاص می‌یافت.

منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۱۴. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. تهران و قم: دارالقرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. سیدرضی، محمد بن حسین. ۱۳۹۰. *نهج‌البلاغه*. ترجمه‌ی سید جمال‌الدین دین پرور. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۳. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۶۰. *نهج‌الفصاحه*. تهران: جاویدان.
۴. ارمغان، مریم، حسین سلطان‌زاده، و هما ایرانی بهبهانی. ۱۳۹۲. معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران* (۱): ۲۹-۵۰.
۵. انصاری، مجتبی. ۱۳۸۱. تزئین در معماری و هنر ایران دوره اسلامی با تأکید بر مساجد. *مدرس هنر* (۱): ۵۹-۷۳.
۶. بمانیان، محمدرضا، سحر ارجمندی، و فرزانه علی‌محمدی. ۱۳۹۲. تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* (۱۲): ۸۹-۱۰۰.
۷. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۲. *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تهران: سروش دانش.
۸. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. *فرهنگ دهخدا*، جلد دهم. تهران: چاپ‌گستر.
۹. سربانی، نسرین. ۱۳۸۱. *قناعت و معماری، نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد.
۱۰. سیفیان، محمد کاظم. ۱۳۷۶. *اسراف و تبذیر در معماری*. هنرهای زیبا (۲): ۶۰-۶۳.
۱۱. عاملی، شیخ حرّ. ۱۴۰۹. *وسائل‌الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
۱۲. علی‌آبادی، محمد، و مجید هاشمی طفرالجردی. ۱۳۸۹. ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، تأملی بر تأثیر قاعده فقهی لاضرر و لاضرار بر موارد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران. *نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران* (۱): ۶۷-۷۵.
۱۳. علوی‌نژاد، سید محسن، احمد نادعلیان، اصغر کفشچی‌ان مقدم، و علی‌اصغر شیرازی. ۱۳۸۹. مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح تزئینات در معماری و دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی. *نگره* ۵ (۱۵): ۵-۱۸.
۱۴. عمید، حسن. ۱۳۶۹. *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۵. فضل‌بن‌حسن طبرسی. ۱۳۸۳. *مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن*، جلد ۷ و ۸. تهران: مرکز نشر ناصر خسرو.
۱۶. کلینی الرازی، ابی جعفر محمد ابن یعقوب ابن اسحاق. ۱۳۶۲. *اصول کافی ثقه الاسلام*. ترجمه‌ی جواد مصطوفی. تهران: ولیعصر.
۱۷. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. *بحارالانوار به همراه ترجمه فارسی*. ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی همدانی. تهران: اصلاحی.
۱۸. محقق داماد، مصطفی. ۱۳۹۳. *قواعد فقه بخش مدنی، مالکیت و مسئولیت*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۹. مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*. ترجمه‌ی ابوالفضل مشکینی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۲۰. مهوش، محمد، و مهدی سعدوندی. ۱۳۹۵. شاخص‌سازی و به‌کارگیری آن در تبیین مفاهیم معماری اسلامی. *پژوهش هنر* (۱۱): ۵۹-۷۳.
۲۱. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۱. *تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی*. تهران: کتاب ماه هنر.
۲۲. ولی‌پور، ابراهیم. ۱۳۷۸. *قانون مدنی*. تهران: مه‌کامه.





References

1. *Holy Quran*. 1935. Translated by Naser Makarem Shirazi. Tehran and Qom: Darul Quran Karim, Office of Studies on Islamic History and Education.
2. Sayed Razi, Mohammad Ibn-e Hossein. 2011. *Nahj ol-Balaghah*. Translated by Seyyed Jamaledin Din Parvar. Tehran: Nahj ol-Balaghah Foundation.
3. Payandeh, Abolqasem. 1981. *Nahj ol-Fasheh*. Tehran: Javidan.
4. Alavi Nejad, Seyyed Mohsen, Ahmad Nadalian, Asghar Kafshchian Moghadam, Ali Asghar and Shirazi. 2010. *A Comparative Study in The Application of Two Phrases, «Architectural Decorations» And «Mural» in The Islamic Art Resources*. Negareh 5 (15): 5- 18.
5. Ali Abadi, Mohammad, and Majid Hashemi Taqarjaljerdi. 2010. The Necessity of a New Approach in the Formulation of Islamic Architectural Laws and Regulations, The Impact of the Lazarar and Lazerar, On visual Privacy Issues in Iran Civil Law. *Journal of Iranian Architecture and Urban Development Association (1)*: 67-75.
6. Amid, Hassan. 1990. *Farhang Farsi Amid*. Tehran: Amir Kabir Publishing Institute.
7. Amoli, Skeikh Hor. 1989. *Vasael al-Shi'a*. Qom: Aal al-Bait Institute (AS).
8. Ansari, Mojtaba .2003. Decoration in Islamic Architecture and Art of Islamic Period with an Emphasis on Mosques. *Modarres-e Honar (1)*: 59- 73.
9. Armaghan, Maryam, Hossein Sultanzadeh, and Homa Irani Behbahani. 2013. Architecture and Culture in Tehran's House of the Qajar. *Iranian Anthropology Research (1)*: 29- 50.
10. Bemanian, Mohammad Reza, Sahar Arjmandi, and Farzaneh Ali Mohammadi. 2013. The Effect of Jurisprudential Principles related to Civic Justice Rights based on the Design of Housing. Case example: Three Iranian-Islamic Houses). *Iranian Islamic Studies Journal (12)*: 89-100.
11. Dehkhoda, Ali Akbar .1998. *Dehkhoda Dictionary, Volume 10*. Tehran: Chap Gostar.
12. Fazl Ibn Hassan Tabarsi .2004. *Majmaa al-Bayan in the Interpretation of Qur'an, Vol 7 and 8*. Tehran: Naser Khosrow Publishing Center.
13. Koleini, al-Razi, Aby Ja'far Mohammad Ibn-e Yaghoub ibn-e Ishaq. 1983. *Osul-e Kafi Seghat al-Islam*. Translated by Javad Mostafavi. Tehran: Valiasr.
14. Mahvash, Mohammad, and Mahdi Sadvandi. 2016. Indexing of Contentment in Architecture in explaining the concepts of Islamic architecture. *Pazhuhesh-e Honar (11)*: 59-73.
15. Majlesi, Mohammad Bagher. 2008. *Bahar al-Anvar with Persian translation*. Translated by Abolhassan Mousavi Hamedani. Tehran: Eslahi.
16. Mohaghegh Damad, Mostafa. 2014. *The Rules of Civil Jurisprudence, Ownership and Responsibility*. Tehran: Islamic Science Publishing Center.
17. Morteza, Hisham .2008. *The Traditional Principles of Construction in Islam*. Translated by Abolfazl Meshkini. Tehran: Publication Center for Urban and Architectural Studies and Research.
18. Nagizadeh, Mohammad. 2012. *A Reflection on Recognition Islamic Iranian Housing Basics*. Tehran: Ketab-e Mah-e Honar.
19. Pirnia, Mohammad Karim. 2003. *Stylistics of Iranian Architecture*. Tehran: Soroush-e Danesh.
20. Seifian, Mohammad Kazem. 1997. Lavish and Addictive in Architecture. *Honar-ha-ye-Ziba (2)*: 60-63.
21. Seryani, Nasrin. 2002. *Contentment and Architecture, A Commentary On the Works and Principles of Contentment in The Home Architecture*. Yazd University: Master's thesis.
22. Valipoor, Ibrahim .1999. *Civil Law*. Tehran: Mahmkame.





**Contentment and Architecture An Investigation of the
Manifestation of the Concept of Contentment in the Pattern of
Iranian Traditional Houses (Case Study: Mortaz House)**

Ali Akbar Heidari *

Assistant Professor, Yasouj University, Iran

Isa Ghasemian **

Ph.D in Architecture, Assistant Professor, Azad University, Shiraz (Corresponding Author)

Received: 18/10/2018

Accepted: 17/02/2019

Abstract

The concept of contentment derived from the content is one of the names of Allah that in Islamic foundations has been emphasized. The traditional man, relying on these bases, to illustrate the divine names, he has tried in different aspects of his life. Architecture is one of the areas which these names appear in it and from a variety of architectures; the house provides the most possible for these traits to a Muslim. Accordingly, the present study sought to analyze the manifestation of the concept of contentment in the architecture of Iranian traditional houses. The results of this analysis can be used as doctrines for application in contemporary architecture. The research process is carried out as follows which after the terminology of this concept in literature and extracting synonyms and opposites with it these meanings are discussed in various Islamic texts including Quran verses, hadiths, infallible traditions (AS) and their interpretations. On the other hand, in the specialized literature of architecture, this issue is being examined and the issues that have been mentioned in this topic are extracted. Then, by analyzing and categorizing the findings, the principles related to contentment, which are feasible in architecture, are extracted. Due to the lack of specialized resources in relation to the various methods of presentation of the principles obtained, from the point of view of experts and architects also used for this purpose. Finally, after extracting the parameters related to each principle the depiction of the obtained items in the Mortaz House collection is analyzed as a case study. The results of the research showed

* aliakbar_heidari@yu.ac.ir

** eisa.ghasemian@gmail.com



that the concept of contentment in the architecture of Iranian traditional homes is based on four principles of Avoidance of futility, self-affirmation, moderation, and Rule of no injury.

Keywords: Contentment, House Architecture, Avoidance of Futility, Self-Affirmation, Moderation, Mortaz House.

